ZENDEGI-SALAM
ضمیمه روزنامه خراسان
زندگی سلام
•چهارشنبه•۲۱ آذر ۱۳۹۷•شماره ۱۲۰۷

حدیث روز

حضرت علی(ع): به احترام پدر و معلمت از جای برخیز، گرچه فرمانروا باشی.

غرر الحکم و درر الکلم

ذکر روز چهارشنبه

صد مرتبه «یا حی یا قیوم»

در محضر بزرگان

کار بزرگ خودت را بشناس

مرحوم استاد علی صفایی حائری فرموده اند: هنگامی که من با مقایسه‌ها، ارزش‌های بیشتر خودم را یافتم و با شهادت استعدادهایم، کار بزرگ خود را شناختم و از تنوع و تکرار و از لذت و خوشی، به تحرک و به خوبی‌ها رو انداختم، با این بینش، دیگر هیچ تنوعی مرا ارضا نخواهد کرد و هیچ چشمی و هیچ دهانی و هیچ دلی، جایگاه من نخواهد بود، که من در این تنگناها نمی گنجم و در این محدوده‌ها، محبوس نمی شوم.

منبع: «روابط متکامل زن و مرد»

حکایت

دزد بدشانس

دزدی به خانه ای رفت، جوانی را خفته دید. پارچه ای که بر دوش داشت پهن کرد تا هرچه یابد در آن نهاده و به دوش اندازد. دزد هرچه گشت چیزی نیافت. چون برگشت دید جوان که هیبت شیران و هیئت دلیران داشت غلتیده و در میان پارچه خفته. با خود گفت مصلحت آن است که ترک پارچه گفته و بروم. از خانه که بیرون شد جوان آواز داد که در را ببند. دزد گفت به جان تو نبندم، زیرا که من زیر انداز تو آوردم و باشد که دیگری روی انداز تو آورد!

برگرفته از «پریشان» خاقانی

کاریکلماتور

* فریاد را همه می شنوند، هنر واقعی شنیدن صدای سکوت است.
* گاهی اوقات افکارم با سکوت زندانی می‌شوند.
* عاشق با تلسکوپ به دنیا نگاه می کند و حسود با میکروسکوپ.
* بعضی ها با هم می خورند و بعضی ها به هم.
* نمی دانم شما تره چه کسی را خرد می کنید اما من کشک خودم را می سابم.

سهراب گل هاشم

قرار مدار

روز رهایی از ترس
هر کسی توی زندگیش
یه ترسی داره، امروز
خودتون رو از شر همه
ترس‌هایی که دارین رها
کنین و پشت سر
بذاریدشون.
ترس شما توی دنیا
چیه؟

اندکی صبر

آسمان

محمدرضا خوشنواز

گاهی دلتنگی ها
آسمان را به زمین می کشند
تا بفهمند
ناله های سر به آسمانشان
کجا رفته اند

دنیا به روایت تصویر

کاترز نیوز | مسابقات کایت روی برف، روسیه

گتی ایمیج | ماهی گیری به روش سنتی، سری لانکا

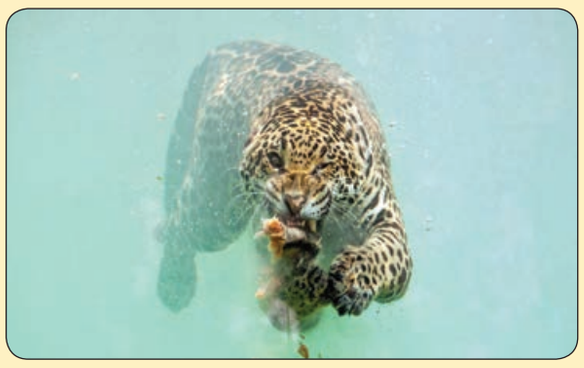

مرکوری | شنای پلنگ برای شکار غذایش در اعماق استخر باغ وحش، فرانسه

سه نقطه

اف. سی. خانجون

قسمت سوم

باشگاه مشت زنی، جنب نانوایی

مهرشاد مرتضوی | طنزپرداز

ننه جان من نشستم فکر کردم، دیدم هیچ ورزشی واسه ماها مناسب‌تر از ورزش رزمی نیست. مثلا همین بوکس. روز تعطیل پاشدم دیدم تو خونه هیچی نداریم، نوه نتیجه‌ها هم از این سر تا اون سر خوابیده بودن قربونشون برم. گفتم برم صبحونه بگیرم بدم بخورن چاق بشن چله بشن، پس فردا خواستگار اومد نگه این یه پاره استخوان در بسته‌بندی پوشش مناسب چیه که من بگیرم؟

رفتم کله‌پاچه بخرم، دیدم قیمتش اندازه حقوق بازنشستگیمه، مشت اول رو اونجا خوردم. گفتم اشکال نداره حلیم می خرم. رفتم حلیم‌فروشی، قیمتشو که دیدم مشت دوم رو اونجا خوردم. اصلا چه کاریه؟ یه سری از نوه‌ها حلیم رو با نمک می خورن، یه سری با شکر، دعواشون میشه، خوبیت نداره. همون نون پنیر خیلیم صفاش بیشتره، کنار چای شیرین می خورن تپلی میشن.

رفتم دم سنگکی، دیدم زده آرد دولتی تمام شد. قیمت نوناش رو کرده بود سه برابر، جاش یه نفر وایستاده بود دم در نونوایی، به مردم نفری یه دونه سبوس می‌داد، می گفت: «خب، همه چی درست میشه. غصه نخورین» اونجا بود که ملت قاطی کردن با مشت و لگد افتادن به جون هم. منم دیگه راهم رو کشیدم رفتم لواش خریدم، اومدم پنیر بخرم، یهو قیمت لبنیات ۳۰ درصد گرون شد، صاحب مغازه با مشت زد تو سر شاگردش، گفت برو برچسب جدید بزن رو همون پنیر قدیمیا. کلا بی خیال شدم، اومدم خونه همگی نون خالی سق زدیم با چای تلخ. مهم اون صفا و صمیمیته.

بوکس هم که دیگه یاد گرفتن نداره، دو بار برین خرید یا موقع رانندگی دعوا کنین یادمی گیرین. منم برم دنبال حقوق چهار ماه پیشم، ببینم به حسابم واریز شده یا نه!

منتخب های چی میگه؟

فیگور مجسمه!

سلام. فکر می کردیم رونالدو بیشتر از اینا طرفدار داشته باشه ولی گویا طرفدارهای بهنام بانی بیشترن! ممنون از همه دوستانی که درست و طبق روش گفته شده تو مسابقه شرکت کردن. پیامک های بی ربط و بی نام و بی مزه متاسفانه حذف شدن. چندتا از جمله های بانمک‌تر رو انتخاب کردیم که می خونید. دمتون گرم و خوش باشین همیشه.

* پرز: می خوام هازارد رو از چلسی بخرم، نظرت چیه؟ رونالدو: نه نه خیلی گرونه! به نظرم این بهنام بانی رو بخر که هم شم گلزنیش خوبه، هم قدرت بدنیش و فیزیکش از هازارد بهتره! **عرفان ربیعی**

* مرد: ببخشید آقای رونالدو، نظرتون درباره گل بانی چیه؟ رونالدو: ببینید این آیتم جهانی نبود. چرا شادی گلش از مدل موی مثلثی من معروف‌تر شد؟! **فرهاد دوست علی**

* رونالدو: به روزی فکر می کنم که با گل تاریخی من ورزشگاه منفجر شد ولی داعش مسئولیت انفجار رو به عهده گرفت! **سید حسین آروند**

* رونالدو: اون تماشاگر نما رو شناختم... هنوز زنده است؟ بیارش پایین کنده کشش کنم! **سید حسین بلوچی**

* رونالدو: یادش به خیر یه زمانی منم مثل بهنام بانی، ستاره تیم برزیل بودم...! **سجاد معلمی، تربت حیدریه**

* مرد: بسه دیگه، مسابقه مجسمه بازی تموم شد، الان استادیوم رو می بندن، همه منتظر ما هستن، بریم دیگه! **قاسمی**

* مرد: چرا خودتو این جوری کردی؟ رونالدو: مگه مسابقه زیبایی اندام نبود؟ دارم فیگور می گیرم دیگه! **ع. تهرانی**

* یادش به خیر اون روزها چه دستی برام می زدن، باید دوباره برم وزنه برداری، می تونم رکورد رضا زاده رو بزنم! **نوری**

* اون عکسه رو می بینی؟ منم، ببین چقدر قلمی بودم، هی... میشه بازم لاغر کنم تا روی این رونالدو جدیده رو کم کنم؟! **غلامرضا قلی پور**

تاپخند

- بیاین خودمون رو الکی توجیه نکنیم که بدعکسیم، قبول کنیم که واقعا زشتیم!
- جدی دو میلیون واسه درخت کریسمس پول میدین؟ با با شما خیلی لاکچری هستین. دو میلیون رو بدید به من قول میدم سوار گوزن هام بشم با لباس بابانوئل در خونه همه‌تون کادو بیارم!
- جدا شدن از تخت خواب تو پاییز واقعا سخته، درست مثل جدا شدن از تخت خواب توزمستون، بهار و تابستون!
- کاش می شد با پتو به دانشگاه رفت بی آن که استایل دانشجویی خراب بشه!
- یک شب رفته باشگاه هالتر خالی زده، اومده تو بیو نوشته New body is coming... نکشیمون آرنولد!

دور دنیا

کوچک ترین الاغ دنیا

ریل فیکس- یک الاغ کوچک ۴۸ سانتی متری رکورددار کوچک ترین الاغ دنیاست. «اوتی» این الاغ مینیاتوری کوچولو آمریکایی ۱۵ سانتی متر از رکورددار قبلی کوتاه تر است. با این حال او مجاز به کسب این عنوان رسمی تا رسیدن به سن بلوغ نیست. اوتی با مالک خود «شرلی گریفیت» ۴۹ ساله در خانه اش در شهر ساوتری کامبس زندگی می کند.

راز ساخت اهرام مصر آشکار شد

اسپوتنیک- گروهی از باستان شناسان بین المللی وسیله ای را پیدا کردند که احتمالا مصری های باستان با کمک آن، اهرام را ساخته اند. محققان توانستند آثار «رمپ» را پیدا کنند که مصری های باستان می توانستند از آن برای بلند کردن بلوک های بزرگ سنگی از عمق گودال باز استفاده کنند. قدمت این یافته تقریبا ۴۵۰۰ سال تخمین زده می شود. در مرکز رمپ، سطح شیب دار و نردبان و سوراخ هایی وجود داشته که در این سوراخ ها می توانستند ستون های چوبی بگذارند و طناب به دور آن ها بسته می شد. برای نخستین بار است که باستان شناسان توانستند سیستمی را که تقریبا خوب حفظ شده است، پیدا کنند.

ترسانک

سلام...

در مسیر بازگشت از دانشگاه به خانه، مادرم زنگ زد و گفت: «ناهارت آماده است. من و پدرت تا شب خونه نمی آیم.» به خانه رسیدم، لباس هایم را عوض کردم و دست و صورتم را شستم...

«سلام! سلام!» صدا از اتاق آخر به گوش می رسید! بشقاب یادگاری مادربزرگم از دستم افتاد و شکست. صدای بلند و ترسناکی ایجاد شد. دلهره داشتم...

«سلام! خوبی؟» ترس در تمام وجودم رخنه کرده بود. نمی دانستم کیست.

«سلام فرشته...» این بار خاله‌ام را صدا می زد... نکند دزد باشد؟ یا جن؟! اصلا او کیست که خاله مرا می شناسد؟ ترسم بیشتر شد ناخن هایم را می جویدم. زیر لب چندبار بسم‌ا... گفتم ولی باز هم صدای «سلام» می آمد، پس جن نبود! بلند شدم و با تمام ترسم به سوی اتاق آرام آرام قدم برداشتم تا ببینم چه کسی در اتاق است. به اتاق رسیدم، دوباره صدای «سلام سلام» به گوش رسید... صدا از درونِ چیزی می آمد که پتویی روی آن بود! «سلام! خوبی؟»

ترسم بیشتر شد ولی دل را به دریا زدم و پتو را برداشتم! چیزی درون قفسی بود... یک مرغ مینا!

حسین باز پور

نیم دقیقه‌ای

مزرعه دودی ها!

ترجمه و تصویرسازی: فرنگیس یاقوتی، سعید مرادی

دو مزرعه دار سر زمین هایشان خستگی در می کردند و حرف می زدند. اولی با تعجب از دوستش پرسید: «اسب و گاو و گوسفندهای شما سیگار می کشن؟!» دومی گفت: «نه! چطور مگه؟!» اولی: «پس فکر کنم اصطبل و گاوداری ات آتیش گرفته!»

تفأل

بادت به دست باشد اگر دل نهی به هیچ
در معرضی که تخت سلیمان رود به باد
حافظ گرت ز پند حکیمان ملالت است
کوته کنیم قصه که عمرت دراز باد

از اون لحاظ

افزایش میل مردم به گرانی

محمدامین فرشادمهر | طنزپرداز

به تازگی جناب علی مطهری درباره احتمال افزایش قیمت بنزین و چند قیمته شدن آن در آینده گفته‌اند که «احتمالا مردم نیز با افزایش قیمت بنزین موافق هستند.» ما برای بررسی بیشتر سری زدیم به روبه‌روی یکی از پمپ بنزین‌ها که عده‌ای از مردم دست به تجمع زده بودند. همان‌طور که جناب مطهری گفته بود، متوجه شدیم مردم به شدت پیگیر افزایش قیمت بنزین هستند و حتی طی یک اعتصاب همگانی، بنزین زدن را تحریم کرده‌اند. آن‌ها شعارهایی از این قبیل سر می‌دادند: «بنزین باید گرون شه، باعث فشار خون شه» یا «راننده می‌میرد، ارزانی بنزین نمی‌پذیرد.» برای انجام مصاحبه سراغ یکی از حاضران رفتیم.

-سلام، علت تجمع امروز شما چیه؟

+آقا تا کی بی‌تفاوتی نسبت به مسائل جامعه؟ مرغ رو گرون نکردن چیزی نگفتیم، گوشت رو گرون نکردن چیزی نگفتیم، خونه، ماشین، پوشاک، هر کدوم رو گرون نکردن چیزی نگفتیم. دیگه طاقت نداریم بنزین رو هم گرون نکنن! آقایون مسئول صدای ما رو بشنوید، من شنیدم توی یکی از محلات همین شهر، یه فروشگاهی اجناسش رو گرون نکرده هیچ، ارزون هم کرده! کلاهتون رو بذارید بالاتر!

سراغ یکی از بازنشستگان رفتیم: «سلام والا چه عرض کنم. یارانه من رو که قطع نکردن هیچ، سبد کالا هم بهم دادن، حقوق و بیمه و مزایا هم همین‌طور. یعنی من دیگه الان روم نمیشه سرم رو جلوی بچه‌هام بلند کنم. خجالت می کشم جلو عروسم که سربارشون نیستم. اینا کلی خودشون رو آماده کرده بودن که خدمت بکنن به من ولی من واقعا نیاز ندارم.» [بغض کرده و اشک می‌ریزد]

یکی از حضار خودش را به بنده می‌رساند: «آقا آقا... شما حداقل به داد ما برسید. منِ جَوون خاک بر سر، دیروز یه حالت از دواجی گذرا بهم دست داد و تصمیم گرفتم ازدواج کنم. در چشم به هم زدنی، پول تالار و کل عروسی و خونه و ماشین جور شد. امشب هم مراسم عروسیمه. واقعا این همه روی روال افتادن شرایط واسه جَوونا انصاف نیست. واقعا من آمادگیش رو ندارم. تو رو خدا صدای ما رو به مسئولان برسونید.»

نفر بعدی: «بنده رفتم دندون پزشکی؛ دو تا دندونام رو پر کردم، سه تا رو جرم گیری، چهار تا عصب کشی، یه هواگیری، سه تا ایمپلنت، یه دونه هم پنه آلفردو. تازه آقای دکتر همون جایه نگاهی هم انداخت به لوزه‌ام و گفت تا دستم کفیه بذار عملش کنم. سر جمع شد هفت هزار و پونصد که همونم بیمه داد! برگشتنی هم آقای دکتر نون پنیر گذاشتن تو کیفم واسه تو راهی. به چه زبونی بگیم ما واقعا دوست نداریم این قدر حمایت بشیم. ما دوست داریم روی پای خودمون وایسم نه مسئولان عزیز!»

یادش به خیر

ما و شما

راه ارتباطی با ما: پیامک ۲۰۰۰۹۹۹ و تلگرام ۰۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶

* در جدول متوسط دیروز اشتباه دارید. چه زمانی مشکلات جدول شما تمام می شود؟
* با با حسن جون و پسر عمو الیاس عزیز، تولدتان مبارک. امیدواریم همیشه تندرست باشین.

نرگس و نیما

* لطفا از تندیس های دوقلوی بودا در بامیان افغانستان (قبل و بعد از نابودی آن توسط طالبان) گزارشی جامع تهیه کنید.

مهدی بهزاد

* یاسین عزیزم زادروز بهاری شدنت را در پاییز دل انگیز تبریک می گویم. **مادرت مریم**
* بهتر نبود به جای مطلب عجیب ترین دوقلوهای به هم چسبیده، یک مطلب آموزنده چاپ می کردین؟ چرا همیشه دنبال مطالب غم انگیز باشیم. واقعا که...

ابراهیم زاده، قوچان

ما و شما: باخبر شدن از عجایب جهان هم آموزنده است و نکته غم انگیزی در آن ندیدیم.

* اگه میشه مطلبی درباره آن هایی که عمل قلب باز انجام دادن در بخش پزشکی بنویسید. ممنون
* دایی محمد و زن دایی فرزانه، آغاز زندگی مشترک تان مبارک. امیدواریم خوشبخت باشید.

دوقلوها نگار و نازنین